



# حکیم سرار شیخ غلامعلی دیوان

تحقیق و تصحیح: دکتر روح الله خادمی



نشر مجمع ذخائر اسلامی  
۱۳۹۹

دیوان

شیخ غلامعلی حکیم شیرازی

(شاعر قرن سیزده و چهارده هجری)



|                     |                                                                                              |
|---------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : حکیم شیرازی، غلامعلی، قرن ۱۲ ق.                                                            |
| عنوان و نام پدیدآور | : دیوان شیخ غلامعلی حکیم شیرازی (شاعر قرن سیزده و چهارده هجری)/تحقیق و تصحیح روح‌الله خادمی. |
| مشخصات نشر          | : قم: مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۹۹.                                                               |
| مشخصات ظاهری        | : ۶۳۳ص.                                                                                      |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۳۳-۷۴۲۵۵۱-۱                                                                           |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیبا                                                                                       |
| یادداشت             | : نمایه.                                                                                     |
| موضوع               | : شعر فارسی -- قرن ۱۲ ق. ۱۲-                                                                 |
| موضوع               | : Persian poetry -- ۱۹-۲۰th century                                                          |
| شناسه افزوده        | : خادمی، روح‌الله، ۱۳۶۱ -، مصحح                                                              |
| شناسه افزوده        | : مجمع ذخائر اسلامی                                                                          |
| رده بندی کنگره      | : ۲/۶۹۹۵PIR                                                                                  |
| رده بندی دیویی      | : ۵/۱۶۸                                                                                      |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۷۴۲۰۸۲۳                                                                                    |
| وضعیت رکورد         | : فیبا                                                                                       |

دیوان

شیخ غلامعلی حکیم شیرازی

(شاعر قرن سیزده و چهارده هجری)

تحقیق و تصحیح  
دکتر روح الله خادمی



نشر: مجمع ذخائر اسلامی / قم، ایران

۱۳۹۹ هـ ش / ۲۰۲۱ م

کلیه حقوق این اثر تحت قانون کپی رایت است. کپی برداری جزئی یا کلی به صورت کتاب یا استفاده اینترنتی، قابل پیگرد قانونی است.

©2021MAJMA AL-DAKAAIR AL-ISLAMYYAH

All rights reserved



دیوان شیخ غلامعلی حکیم شیرازی

(شاعر قرن سیزده و چهارده هجری)

تحقیق و تصحیح

دکتر روح الله خادمی

نشر: مجمع ذخائر اسلامی / قم، ایران

چاپ: دینوا / صحافی: نفیس

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۳۵-۵۱-۱

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۹ ش (۲۰۲۱م)

شمارگان: ۱۱۰

ارتباط با ناشر: ایران، قم: خیابان طالقانی (آذر) - کوی ۲۲ - فرعی اول - پلاک ۴ - مجمع ذخائر اسلامی

تلفن: ۰۹۱۲ ۲۵۲ ۷۷۱۲ ۷۴۰۰ +۹۸ ۲۵۲ ۷۷۰ ۱۱۱۹ (دورنگار: ۰۹۸ ۲۵۲ ۷۷۰) (تلگرام): ۰۹۱۲ ۲۵۲ ۴۳۲۵

این کتاب و دهها کتاب با همین موضوع را از فروشگاه بین المللی الفهرست تهیه کنید

WWW. ALFHEHREST.COM

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فهرست مطالب

|                                             |      |
|---------------------------------------------|------|
| عنوان.....                                  | صفحه |
| پیشگفتار.....                               | ۹    |
| مقدمه.....                                  | ۱۱   |
| سیری در تاریخ سلطنت قاجاریه.....            | ۱۱   |
| شعر و ادب فارسی در در دوره بازگشت ادبی..... | ۳۲   |
| احوال و آثار شیخ غلامعلی حکیم شیرازی.....   | ۳۵   |
| استادان حکیم شیرازی.....                    | ۳۹   |
| ممدوحان حکیم شیرازی.....                    | ۴۴   |
| آثار حکیم شیرازی.....                       | ۵۱   |
| نظری به زبان و کلام حکیم شیرازی.....        | ۵۳   |
| تدوین دیوان حکیم شیرازی.....                | ۶۱   |
| نسخه‌های خطی دیوان حکیم شیرازی.....         | ۶۲   |
| قصاید.....                                  | ۸۱   |
| غزلیات.....                                 | ۱۰۳  |
| مقطعات.....                                 | ۴۲۵  |
| ترجیع بندها.....                            | ۴۳۵  |
| مسمطات.....                                 | ۴۴۹  |
| رباعیات.....                                | ۴۷۵  |
| مثنوی‌ها.....                               | ۴۹۳  |
| ملحقات.....                                 | ۵۱۳  |
| توضیحات متن.....                            | ۵۱۷  |
| نمایه‌ها.....                               | ۵۹۷  |
| کسان.....                                   | ۵۹۷  |
| جایها.....                                  | ۶۰۹  |
| کتابنامه.....                               | ۶۱۳  |





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### پیشگفتار

با همه گیر شدن بیماری نوپدید، مرموز و شیطانی کرونا در ماه های پایانی سال ۱۳۹۸ در کشور عزیزم ایران و تعطیلی و خانه نشین شدن های اجباری متعاقب آن، فرصتی پیش آمد تا پژوهش هایی را که هرکدام به دلیلی نیمه کاره رها شده بود، بار دیگر رو به روی نهم و چشم بدوزم به کارهای روی هم مانده ای که سالها فرصت می خواستند و بهانه می آوردند.

این تعطیلات اجباری که ترس و هراس شبانه روزی در تمام زوایای پیدا و پنهان آن لانه کرده بود و با اخبار غم انگیز از مرگ هرروزه و روزافزون هموطنان همراه بود، مرا وامی داشت که لحظه لحظه عمر را غنیمت بشمارم. لحظاتی که نمی دانستم در پس آن چه خواهد بود و چه زمانی تقدیر خداوندی روزهای پس از آرام گرفتن این دیو سفید خون آشام را به ما نشان خواهد داد.

لاجرم در این اضطراب آمیخته با اندوه و نوبیدی و با بسته شدن درب کتابخانه ها، دانشگاه ها و مراکز فرهنگی و آموزشی، به گوشه ای دنج پناه بردم. برگهای پریشان دیوان شاعری عارف و روشن ضمیر، همچون الماسی در سیاهی معدن، چشم مرا به تالو اهورایی خود خیره کرده بود؛ دست و دلم را می لرزاند و به سوی خود می کشید. تعلل ناروا می نمود...

باری، مجموعه اشعار شیخ غلامعلی حکیم، با آن قصاید باشکوه، غزلیات ناب عرفانی و قطعات، ترجیعات، مسطعات و رباعیات سراسر شور و شعور آن، همدم و هم نفس این روزهای من بود. کمر همت بستم تا چشم دوستداران شعر، حکمت و عرفان را به این گوهر دلربا روشن کنم.

محاسن ذهن و زبان و اندیشه حکیم شیرازی کم نیست. در دیوان او هوایی پاک حاکم است و نسیم دوستداری، دانایی و دینداری می وزد. عشق و ارادت او به پیامبر رحمت ﷺ و مولا علی بن ابیطالب (علیه السلام) و اشعار نغز و آبداری که در منقبت آن دو گل سرسبد آفرینش به الهام هاتف غیبی بر خامه او روان شده و بر سفیدی کاعذ نقش بسته، سبب تسکین درد و آرامش قلب است و همچون مرهمی این جان زخمی از فتنه های آخرالزمان را آرامش و ایمنی می دهد.

خوشبختانه توفیق یار بود و این کار به سرانجام رسید. این زمان کوتاه یک ساله بر من و مردم سرزمینم به اندازه هزاران سال گذشته است. از خداوند سبحان می خواهم که نسل بنی آدم را هرچه زودتر از شر و وسوسه شیاطین نجات داده، به سر منزل مقصود برساند.

دوران ناخت و تاز نانجیانه کرونا بر تن کبود و خون مرده میهنم و مردم گرفتار، بی پناه و سالخورده وطنم، با همه غم انگیزی هایش خواهد گذشت و شادی و شادمانی بر ما لبخند خواهد زد. اما آنچه امروز بر ما لازم است، این است که بدانیم مرگ، پشت در ایستاده است. مواظب دوستی ها و احساس هایمان، مراقب فرشته های زندگی مان و گلها و ریاحین فضای خانه مان باشیم و قدر نفس به نفس عمرمان را بدانیم؛ قدر هر نفس را که فرورفتن و برآمدن آن ممد حیات است و مفرح ذات.

بر خود لازم می دانم که در این مجال، از مهربانی حجت الاسلام سید صادق حسینی اشکوری که انتشار این کتاب را در ادامه سه اثر پیشین بر عهده گرفتند، سپاسگزاری کنم. دوستداران کتاب می دانند که در این کسادی بازار نشر و گرانی کاغذ و چاپ، انتشار اثری از یک پژوهشگر تازه کار تنها از یک دلباخته کتاب و کتابخوانی بر می آید. تندرستی و شادمانی رفیق راهشان باد.

روح الله خادمی

جمال آباد - ارسنجان فارس

آذرماه ۱۳۹۹



## احوال و آثار شیخ غلامعلی حکیم شیرازی

شیخ غلامعلی حکیم شیرازی<sup>۱</sup> (ملاً غلامعلی فانی برازجانی الاصل خشتی المسکن شیرازی<sup>۲</sup>) فرزند ملاً علی اکبر،<sup>۳</sup> فیلسوف، عارف، متفکر و شاعر شیعه مذهب اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری است که در سالهای پرمخاطره منتهی به انقلاب مشروطیت و بعد از آن، به ادب فارسی و حکمت اسلامی اشتغال و اهتمام داشته است.

تاریخ ولادت حکیم بر ما پوشیده است، اما سال درگذشت او از مآذ تاریخی که نعمت فسایی سروده، ۱۳۳۵ هـ. ق. به دست می‌آید:

رفت از این جهان غلامعلی که بود ناصرش علی ولی

۱. نام و یاد حکیم شیرازی در منابع زیر آمده است:

تذکره مرآت الفصاحه، ص ۴۵۰ (فانی فارسی) - حدیقة الشعراء، ج ۲، صص ۱۲۷۹ و ۱۲۸۰ (فانی خشتی فارسی) - مجموعه آثار حکیم صهبا، صص ۱۳۶ و ۱۳۷ - دانشمندان و سخنسرایان فارس، ج ۲، صص ۳۰۹ تا ۳۱۶؛ نیز ج ۴، ب ۲، ص ۷۰۱ - بزرگان نامی پارس، ج ۲، صص ۱۰۷۲ و ۱۰۷۳؛ نیز ص ۱۱۱۱ - تذکره مدینه الادب، ج ۲، ص ۶۳۷ - فرهنگ اعلام علوم عقلی اسلامی، ج ۲، ص ۵۷۳ - رسائل قیصری، ص ۱۴ پیش درآمد - منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا زمان حاضر، صص ۲۲ و ۲۳ - دانشمندان ایرانی از کهن‌ترین زمان تاریخی تا پایان دوره قاجار، صص ۶۱۷ تا ۶۲۰ - لمعات الهیه، ص ۵ - انوار جلیه، ص ۳۷ - مجموعه مصتفات حکیم مؤسس آقا علی مدرّس طهرانی، ج ۱، ص ۳۷؛ نیز ج ۲، ص ۳۲ - مقدّمه تمهید القواعد، صص ۹ و ۲۷ - الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱/۹، صص ۲۶۲ و ۲۶۳ - فرهنگ سخنوران، ج ۱، ص ۲۷۵؛ نیز ج ۲، ص ۶۸۳؛ فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۳، ص ۲۷۹؛ نیز ج ۸، صص ۲۶۵ - ۲۶۸.

۲. تذکره مرآت الفصاحه، ص ۴۵۰ - حدیقة الشعراء، ج ۲، صص ۱۲۷۹ و ۱۲۸۰ - فرهنگ سخنوران، ج ۲، ص ۶۸۳. به دلیل بریدن شاعر از تخلص قبلی خود، ما در منابع با هویت‌هایی همچون «غلامعلی خشتی»، «حکیم شیرازی»، «فانی خشتی فارسی» و «فانی برازجانی» روبرو هستیم. در مرآت الفصاحه و حدیقة الشعراء نامی از حکیم شیرازی نیست و در مصادر ترجمه حکیم نیز بجز مدینه الادب اسمی از فانی نیست. تنها در فرهنگ سخنوران است که دو مدخل به نامهای حکیم شیرازی (ج ۱، ص ۲۷۵) و «فانی برازجانی» (ج ۲، ص ۶۸۳) می‌بینیم.

۳. نام پدر شاعر در مرآت الفصاحه «ملاً علی اکبر» و در جلد دوم فرهنگ سخنوران «ملاً علی» ضبط شده است.

آن ادیب سخنسرای حکیم عارفی بود علمی و عملی گفت نعمت برای تاریخش «باد ز اهل جنان غلامعلی» (۱۳۳۵)<sup>۱</sup> جز این تاریخ معین، بعضی وفات او را در سنّ جوانی و در حدود سال ۱۳۳۰ ه. ق.<sup>۲</sup> یا اواخر ثلث نخستین قرن ۱۴ ه. ق.<sup>۳</sup> ذکر کرده‌اند. سال ۱۳۳۵ هجری قمری در میانه سالهای ۱۲۹۵ و ۱۲۹۶ هجری شمسی و ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ میلادی قرار دارد.

نظر به اینکه استادانش، حکیم صهبا در ۱۳۰۶ ه. ق. و آقا علی مدرّس زنوزی در ۱۳۰۷ ه. ق. درگذشته‌اند و از آنجا که وفات حکیم را در جوانی نوشته‌اند، می‌باید تاریخ ولادت او را تا جایی عقب کشید که بتواند محضر و تلمذ این دو استاد را در عنقوان جوانی درک کرده باشد. بنابراین حوالی سال ۱۲۹۰ ه. ق. معقول‌تر به نظر می‌آید.

زادگاه او را بعضی شیراز<sup>۴</sup> و بعضی همچون ابن یوسف حدائق که هم‌شهری و هم‌عصر حکیم بوده، حوالی اطراف شیراز<sup>۵</sup> نوشته‌اند. صاحب مرآت الفصاحه (تألیف ۱۳۱۶ ه. ق.) که شاعر را از نزدیک دیده، او را برازجانی الاصل خشتی المسکن دانسته است.<sup>۶</sup> حکیم در آثارش از مسقط الرأس خود نامی نبرده، اما مسلم که پیش از اقامت شیراز کودکی را در خشت از توابع کازرون گذرانده است. از لقب «ملا» که همراه نام پدر او ثبت شده، برمی‌آید که او نیز فردی باسواد و اهل علم و فضل بوده است.

شیخ غلامعلی، مقدمات علوم را در شیراز فراگرفت و چون در آن زمان حوزه فلسفی و عرفانی تهران بسیار پر رونق بود، برای ادامه تحصیلات خود به تهران سفر کرد و در مدرسه سپهسالار اقامت گزید. گویا در همان دوران اقامت در مدرسه سپهسالار (دانشگاه شهید مطهری کنونی)<sup>۷</sup> بوده که مرحوم آقا محمدکاظم

۱. دانشمندان و سخنسرایان فارس، ج ۴، ب ۲، ص ۷۰۱.

۲. دانشمندان و سخنسرایان فارس، ج ۲، ص ۳۰۹؛ الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۹ / ۱، ص ۲۶۲؛ فرهنگ سخنوران، ج ۱، ص ۲۷۵.

۳. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۳، ص ۲۷۹؛ دانشمندان و سخنسرایان فارس، ج ۲، ص ۳۰۹.

۴. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۹ / ۱، ص ۲۶۲.

۵. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۳، ص ۲۷۹؛ دانشمندان و سخنسرایان فارس، ج ۲، ص ۳۰۹.

۶. تذکره مرآت الفصاحه، ص ۴۵۰.

۷. مسجد و مدرسه عالی سپهسالار در کنار مجلس شورای ملی سابق در حوالی میدان بهارستان واقع شده است. این مدرسه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مدرسه عالی شهید مطهری و سپس دانشگاه شهید مطهری تغییر نام داد. بنای این مدرسه بوسیله میرزا حسین خان سپهسالار در سال ۱۲۹۶ ه. ق. (۱۲۵۷ ه. ش.) بنیان نهاده شد و پس از مدتی وقفه، در سال ۱۳۰۳ ه. ق. پایان پذیرفت. اولین فعالیت‌های آموزشی این مدرسه در سال ۱۳۱۳ ه. ق. و با

ملک التجار شیخ غلامعلی را به تربیت فرزندان خویش برمی‌گزیند که یکی از ایشان، مرحوم حاج حسین آقا ملک مؤسس کتابخانه ملی ملک است که از استاد خود بسیار کسب کمال نموده است. وفات حکیم در خانه پدری حاج حسین آقا ملک واقع در بازار بین‌الحرمین تهران حدّ فاصل دو مسجد امام (مسجد شاه سابق) و مسجد جامع اتفاق افتاده،<sup>۱</sup> اما از مدفن ایشان اطلاعی نداریم. بعید نیست حکیم در گورستان ابن بابویه که مدفن استادان او مانند آقا محمدرضا قمشه‌ای و میرزا ابوالحسن جلوه است، مدفون شده باشد.

حکیم که بیشتر عمر را مقیم تهران بوده، شوق بازگشت به شیراز را هیچگاه از دل بیرون نکرده است: سخن شیرین کند چون باده می‌نوشد حکیم امشب مگر افتاده باز ای دوست در سر شور شیرازش

و  
هر شب از شیراز می‌گوید سخن با ما حکیم شرط ایمان است آری در جهان حبّ الوطن

و  
حکیم را به سر افتاده باز شور وطن رود به جانب شیراز عاقبت از ری

و  
آن به که سوی فارس کشم رخت عافیت سودی نبرد دل ز تماشای ملک ری  
از وضعیت خانوادگی و ازدواج و فرزندان حکیم اطلاعی در دست نیست و خود نیز در اشعارش اشاره‌ای به این مطلب نکرده است. محتمل است حکیم که خانه و بنه‌ای در تهران نداشته، به سبب اشتغال به تحصیل و تدریس، راه تجرّد پیش گرفته باشد.

شیخ غلامعلی شیرازی در طول دوران شاعری خود، دو تخلص برگزیده است؛ «فانی» و «حکیم». میرزا محمدعلی مصاحبی نایینی در تذکرة مدینه الادب ماجرای انتخاب تخلص دوم را چنین روایت کرده است: «در آغاز فانی تخلص می‌کرد، چنانکه در این قصیده که به خطّ خود اوست،<sup>۲</sup> می‌نویسد: [تمت القصيدة الابداعية وهی] من کلام اقلّ الخلیقة المتخلص بالفانی غلامعلی الشیرازی؛ و پس از آن به خوااهش دوستان "حکیم" تخلص می‌کرد، چنانکه مسموع افتاد که روزی در منزل سیّد بقا - رحمة الله علیه - [د. ۱۳۳۱ ه. ق. در تهران] جمعی از شعرا و ادبا حضور داشتند، من جمله محمودخان ملک الشعراء [د. سال ۱۳۱۱ ه. ق. در

---

حضور ۵۰ طلبه، به همت میرزا ابوالفضل مجتهد کلاتر تهرانی آغاز شد. در جریان به توپ بستن مجلس به سال ۱۳۲۳ ه. ق. صدماتی به بنای مدرسه عالی وارد شد و آن را به صورت تعطیل درآورد. این وضعیت تا سال ۱۳۲۷ ه. ق. ادامه یافت تا اینکه حاج صدرالدوله امور مدرسه عالی را به روال عادی بازگرداند.

۱. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۳، ص ۲۷۹؛ دانشمندان و سخنسرایان فارس، ج ۲، ص ۳۰۹.

۲. مراد قصیده ۹ با مطلع «دوش ز ابداعیان کاخ مقرنس» می‌باشد.

تهران] و صدرافاضل میرزا لطفعلی دانش [د. ششم شعبان ۱۳۵۰ ه. ق. در تهران] و میرزا حیدرعلی ثریا [د. ۱۳۱۸ ه. ق. در تهران] و میرزا محمد محیط [د. صفر ۱۳۱۷ ه. ق. در قم] و حاج میر سید علی اخوی [د. صفر ۱۳۳۵ ه. ق. در تهران].<sup>۱</sup> حکیم غلامعلی وارد شده، قصیده‌ای در ستایش حضرت امیر علیه السلام قرائت کرد. چون به پایان رسید، صدرافاضل گفت "فانی" مر حکیم را تخلص نشاید، که وی را فنا نبود. اگر جناب سید محمد این تخلص بقا را نداشت، شما را درخور بود. حاج میر سید علی اخوی گفت: مگر نه شما را حکیم غلامعلی می‌نامند؟ حکیم تخلص کنید. از آن پس "حکیم" تخلص می‌کرد.<sup>۲</sup>

حکیم، در تذکره مرآت الفصاحه<sup>۳</sup> و حدیقه الشعراء دیوان‌بینگی<sup>۴</sup> با عنوان «غلامعلی فانی خشتی فارسی» معرفی شده و چند بیت قصیده و مسقط و غزل از او نقل شده است. از این ابیات، تنها یک بیت در نسخ دیوان حکیم موجود است و همین بیت ما را یاری می‌کند تا اطمینان یابیم که «فانی» همان «حکیم» است: تو عمر منی، وفا که جوید از عمر که نیست جاودانی سید احمد دیوان‌بینگی شیرازی در سال ۱۳۰۳ ه. ق. خبر از حضور او در شیراز می‌دهد و با اینکه وی را ندیده، او را از جمله فضلا و حکما و ادبا برمی‌شمارد که به افاده و استفاده مشغول است. همچنین ما از سرایش ماده تاریخی در سال ۱۳۰۵ ه. ق. توسط او خبر داریم. بنابراین شاعر تا این سال در شیراز بوده و هجرت او به تهران پس از این زمان اتفاق افتاده است.

برای حدس تاریخی که شاعر تخلص حکیم را برگزیده ناچاریم تاریخ وفات گروهی که این تخلص را بدو پیشنهاد داده‌اند، بررسی کنیم. چون محمودخان ملک الشعراء زودتر از دیگر اعضای آن محفل در سال ۱۳۱۱ ه. ق. درگذشته، و به استناد کتابت دستنویسی از المشاعر ملاًصدرا در ۲۸ جمادی الاول ۱۳۰۸ ه. ق. به دست غلامعلی خشتی شیرازی، انتخاب تخلص حکیم باید بین سالهای ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ ه. ق. صورت گرفته باشد.

گویا حکیم به ثبت اشعاری که با تخلص «فانی» سروده، علاقه‌ای نداشته و حتی قصیده ابداعیه سینه‌به‌سینه از اشعار عالی اوست در نسخ دیوان خود از قلم انداخته است؛ بنابراین طبیعی است اشعاری که در مرآت الفصاحه، حدیقه الشعراء و منابع دیگر آمده نیز به دیوان مدون او راه نیافته باشد. ترجیع بند عرفانی او نیز مشمول همین حکم شده است.

۱. توضیحات درون قلاب در این بند، افزوده مصحح است.

۲. تذکره مدینه‌الادب، ج ۲، ص ۶۳۷. نیز: دانشمندان و سخنسرایان فارس، ج ۲، ص ۳۱۰.

۳. تذکره مرآت الفصاحه، ص ۴۵۰.

۴. حدیقه الشعراء، ج ۲، ص ۱۲۷۹ و ۱۲۸۰.



## استادان حکیم شیرازی

حکیم در دوران سکونت در تهران و علی‌الخصوص تحصیل در مدرسهٔ سپهسالار، در محضر درس چند تن از بزرگان فلسفه و عرفان دوران خود حاضر شده و جهان فکری او در همین حوزه شکل گرفته است. استادانی که حکیم در پیش آنان زانوی تلمذ بر زمین نهاده، حقیقتاً جزو سرآمدان روزگار و تأثیرگذاران حوزه‌های علمی بوده و شاگردان بزرگی پرورش داده‌اند. در این مجال شناخت دو تن از این علما شایسته و بایسته است.

### ۱- آقا محمدرضا قمشه‌ای

آقا محمدرضا قمشه‌ای (۱۲۴۱-۱۳۰۶ ه. ق.) معروف به حکیم صهبا، فرزند شیخ ابوالقاسم قمشه‌ای، حکیم و عارف قرن ۱۳ و ۱۴ هجری در شهر قمشه (شهرضا) به دنیا آمد. آقا محمدرضا، مقدمات علوم را در زادگاه خود، نزد پدر و دیگر فضلاء آن شهر به پایان رساند. آنگاه عازم اصفهان شد، و در محضر اساتیدی چون حاج محمدجعفر لاهیجی (د. پیش از ۱۲۹۴ ه. ق.) و میرزا حسن نوری به تحصیل حکمت و در محضر میرزا سید رضی لاریجانی (د. ۱۲۷۰ ه. ق.)، به تحصیل عرفان نظری و مطالعه در آثار محی‌الدین عربی و صدرالدین قونوی پرداخت و پس از درگذشت میرزا سید رضی، بر کرسی تدریس عرفان و آثار ابن عربی نشست.

حکیم قمشه‌ای در حوالی سال ۱۲۹۴ ه. ق. برای شکایت از برخی خوانین اصفهان به تهران رفت و دست تقدیر، او را مقیم تهران کرد که در آنجا بر کرسی حکمت و عرفان نشست. نایب‌الصدر در زمینه تدریس علوم حکمی و عرفانی توسط قمشه‌ای در تهران می‌نویسد: «به هر حال او در آنجا به تدریس آغازید و هرچند حکمت نیز می‌گفت، ولی هم خویش را بیشتر مصروف تدریس معارف عرفانی می‌کرد، بدان پایه که یکی از شاگردان او به نام محمود حسینی ساوجی در پشت جلد مجموعه‌ای املا کرده است که: خداوند رحمت فرماید آقا محمدرضا قمشه‌ای را که در عصر ناصرالدین شاه فتح باب تدریس عرفانیات و تصوف از او شد. شرح فصوص الحکم و کتاب تمهید را قبل ورودشان به دارالخلافه، کسی نمی‌دانست چه رنگ است.»<sup>۱</sup>

حکیم قمشه‌ای جزو حکمای اربعه حوزه تهران<sup>۲</sup> محسوب می‌شود. سلسله اساتید وی به ملاحی نوری و آقا محمد بیدآبادی و سپس تا ملاصدرا و از وی تا شیخ‌الرئیس ابن سینا می‌رسد.

۱. مجموعه آثار حکیم صهبا، مقدمه ص ۳۰.

۲. در دوره ناصرالدین شاه، آموزش فلسفه در حوزه تهران، اهمیتی بسیار یافت و علوم عقلی جایگاه ویژه‌ای در نظام آموزش دینی به دست آورد. در اهمیت علوم عقلی همین بس که ۴ تن از بزرگ‌ترین عالمان تهران، از اهل فلسفه بودند

حکیم قمشه‌ای در اوج شهرت آقا علی حکیم مدرّس زنوزی و میرزا ابوالحسن جلوه به تهران آمد و با آنکه مشرب اصلیش صدرایی بود، در مدرسه میرزا شفیع خان صدر اعظم (مدرسه صدر) کتب بوعلی را تدریس کرد و بازار میرزای جلوه را که تخصصش در فلسفه بود، شکست؛ به طوری که معروف شد: جلوه از جلوه افتاد. وی در مدرسه صدر به تدریس حکمت و عرفان، به ویژه کتب محی‌الدین عربی و شروح آنها پرداخت.

حکیم آقا محمدرضا قمشه‌ای آثار متعدّدی در فلسفه و عرفان از خود با یادگار گذاشته که برخی از این آثار عبارتند از: ۱. اشعار. ۲. حواشی اسفار. ۳. حواشی تمهید القواعد. ۴. حواشی شرح اشارت. ۵. حواشی شرح فصوص قیصری. ۶. حواشی شواهد الربوبیه. (مفقود) ۷. حواشی مصباح الانس. ۸. شرح فقره‌ای از دعای سحر. ۹. موضوع علم. ۱۰. رساله فی ردّ جواز انتزاع مفهوم واحد فی الحقائق المتباینه.<sup>۱</sup>

آقا محمدرضا در ۱۳۰۶ هـ ق. در تهران درگذشت و در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.

شیخ غلامعلی حکیم در کنار بزرگانی چون آقا میرزا هاشم اشکوری (د. ۱۳۳۲ هـ ق.)، میرزا شهاب‌الدین نیریزی (د. ۱۳۲۰ هـ ق.)، آقا میرزا حسن کرمانشاهی (د. ۱۳۳۶ هـ ق.)، جهانگیرخان قشقایی (۱۳۲۶ یا ۱۳۲۸ هـ ق.)، آخوند ملا محمد کاشانی (د. ۱۳۳۳ هـ ق.)، شیخ علی نوری معروف به شیخ شوارق (د. ۱۳۳۵ هـ ق.)، شهید میرزا محمدباقر اصطهباناتی شهید در مشروطیت (د. ۱۳۲۶ هـ ق.)، حکیم صفای اصفهانی کروندی شاعر معروف (د. ۱۳۲۲ هـ ق.)، و برادرش حکیم آقا میرزا علی محمد اصفهانی (د. ۱۳۴۳ هـ ق.)، شیخ عبدالله ریاضی رشتی (د. ۱۳۰۶ هـ ق.)، شیخ حیدر نهاوندی (د. ۱۳۲۰ هـ ق.)، میرزا ابوالفضل کلانتر تهرانی (د. ۱۳۱۶ هـ ق.)، حکیم میرزا سید حسین قمی (د. ۱۳۲۲ هـ ق.)، میرزا محمود بروجرودی (د. ۱۳۳۷ هـ ق.)، حکیم ملا محمد سمنانی (د. ۱۳۶۱ هـ ق.)، حکیم ملاعلی سمنانی (د. ۱۳۳۱ هـ ق.)، عنقاء طالقانی (د. ۱۳۳۳ هـ ق.)، میرزا نصرالله قمشه‌ای (د. ۱۳۲۴ هـ ق.)، شیخ آقاحسین نجم‌آبادی تهرانی (د. ۱۳۴۷ هـ ق.)، میرزا جعفر آشتیانی (د. ۱۳۲۴ هـ ق.)، میرزا محمدطاهر

و به حکمای اربعه شهرت یافتند؛ اینان عبارتند از آقا علی مدرّس طهرانی (۱۲۳۴-۱۳۰۷ هـ ق.)، تدریس در مدرسه سپهسالار، آقا محمدرضا قمشه‌ای (۱۲۴۱-۱۳۰۶ هـ ق.)، تدریس در مدرسه صدر، میرزا ابوالحسن جلوه (۱۲۳۸-۱۳۱۴ هـ ق.)، تدریس در دارالشفاء و میرزا حسین سبزواری، تدریس در مدرسه عبدالله خان. (تاریخ تهران، ج ۱، ص ۷۹ و ۸۰)

۱. مجموعه آثار حکیم صهبا، مقدّمه ص ۱۱.

تنگابنی (د. ۱۳۶۰ ه. ق.)، و میرزا عبدالغفار تویسرکانی (د. ۱۳۱۹ ه. ق.)، از تلامیذ آقا محمدرضا قمشه‌ای محسوب می‌شوند که بسیاری از ایشان جزو مدرّسان عرفان بودند.<sup>۱</sup>

مرحوم سیّد جلال‌الدین آشتیانی درباره او می‌نویسد: «فاضل بارع آقا شیخ غلامعلی شیرازی یکی از تلامیذ فاضل حوزه درس آقا محمدرضا بود و بعد از رحلت آقا محمدرضا قمشه‌ای خود به تدریس شرح فصوص و اسفار پرداخت از او حواشی فاضلانه بر اسفار و شرح فصوص در دست است و یکی از تلامیذ او برخی از تقریرات او را در حاشیه اسفاری که در دست حقیر نگارنده است نقل کرده است. گویا مرحوم آقا شیخ غلامعلی در تهران نماند و به شیراز و یا بلد دیگر مسافرت نمود. شرح فصوصی در کتابخانه آستان قدس رضوی است که تعلق به آقا شیخ غلامعلی داشته است و تمام کتاب را خدمت استاد قرائت نموده و حواشی استاد و تقریر درس او را بر مواضع مشکل فصوص نقل کرده است. حواشی خود را نیز بر هامش کتاب منتقل کرده و هنگامی که خود کتاب را درس می‌داده است، در مقام تقریر مشکلات از شرح جامی و شرح مولانا عبدالرزاق کاشی و دیگر محشّین مطالبی نقل کرده است. از این حواشی تسلّط او بر عرفان و تصوّف آشکار می‌شود. در حوزه درس آقا محمدرضا و آقا علی و قبل از آنان، آخوند زنوزی فضلی محقّقی تربیت شده‌اند که ما به تدریج از وجود آنان مطلع می‌شویم. راجع به آقا شیخ غلامعلی در ایّام گذشته استادم آقا میرزا ابوالحسن قزوینی - روحی فدا - یاد می‌نمود. گویا استاد می‌فرمود آقا شیخ غلامعلی در جوانی چهره در نقاب تراب پنهان نمود.»<sup>۲</sup>

## ۲- آقا علی مدرّس طهرانی معروف به حکیم مؤسّس

آقا علی مدرّس زنوزی طهرانی (۱۲۳۴-۱۳۰۷ ه. ق.) معروف به حکیم مؤسّس فرزند ملا عبدالله زنوزی، از حکمای حوزه فلسفی تهران و مروج فلسفه ملاصدرا است.

آقا علی به سال ۱۲۳۴ ه. ق. در اصفهان متولد شد. در سال ۱۲۳۷ ه. ق. و در سن سه سالگی به همراه پدرش به تهران آمد و پس از فراگیری مقدمات علوم، از جمله ادبیات عرب و منطق و اصول فقه و کلام، در حلقه درس پدر شرکت نمود. پس از درگذشت پدرش در ۱۲۵۷ ه. ق.، برای ادامه تحصیل به عراق، اصفهان و قزوین رفت و نزد استادانی چون میرزا حسن نوری فرزند ملا علی نوری، سیّد رضی لاریجانی، ملا آقا قزوینی، ملا محمدجعفر لاهیجی لنگرودی و میرزا محمدابراهیم نقشه فروش تلمذ کرد و سپس به تهران

۱. مجموعه آثار حکیم صهبا، مقدمه صص ۹۱ تا ۱۹۱؛ نیز: رسائل قیصری، ص ۱۴ پیش درآمد؛ دانشمندان ایرانی از کهن‌ترین زمان تاریخی تا پایان دوره قاجار، ص ۶۲۰.

۲. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران از عصر میر داماد و میر فندرسکی تا زمان حاضر، ج ۲، صص ۲۲ و ۲۳.

بازگشت. آقا علی مدرّس در حدود سال ۱۲۷۰ ه. ق. تدریس در علوم معقول را در تهران آغاز کرد. نخست در مدرسه قاسم خان و سپس در مدرسه سپهسالار به تعلیم فلسفه پرداخت. ظاهراً در همان ایام نزد میرزا حسن آشتیانی به فراگیری علوم نقلی نیز مشغول بوده است.

آقا علی به دلیل جامعیت در معقول و منقول به مدرّس و به سبب کمالات صوری و معنوی به حکیم الهی و استاد الاساتید شهرت یافت. وی یکی از حکمای اربعه بود که باعث تثبیت و رونق حوزه فلسفی تهران شدند. مدرّس طهرانی هم علوم نقلی و هم علوم عقلی را تدریس می کرد، اما شهرت وی بیشتر در علوم عقلی بود. ظاهراً پس از مدتی وی فقط به تدریس حکمت پرداخته و این امر باعث انتقال مجلس درس او از مدارس رسمی به منزلش شده است. آقا علی مدرّس در ۱۳۰۷ ه. ق. وفات یافت و در حرم عبدالعظیم حسنی در شهر ری دفن شد.

شیخ غلامعلی در حکمت در کنار بزرگانی چون میرزا محمّدباقر اصطهباناتی (د. ۱۳۲۶ ه. ق.)، شیخ حیدر نهاوندی (د. ۱۳۲۰ ه. ق.)، میرزا حسن کرمانشاهی (د. ۱۳۳۶ ه. ق.)، آقا میرزاهاشم اشکوری (د. ۱۳۳۲ ه. ق.)، میرزا علی اکبر حکمی یزدی (د. ۱۳۴۵ ه. ق.)، شیخ علی نوری مشهور به شیخ شوارق (د. ۱۳۳۵ ه. ق.)، میرزا محمّد طاهر تنکابنی جامع علوم عقلیه متمایل به طریقه مشائیه (د. ۱۳۶۰ ه. ق.)، میرزا لطفعلی صدرالافاضل دانش تبریزی (د. ۱۳۵۰ ه. ق.)، ملا نظرعلی طالقانی صاحب کتاب کاشف الاسرار (د. ۱۳۰۶ ه. ق.)، شیخ عبدالنّبی مجتهد مازندرانی (د. ۱۳۴۴ ه. ق.)، جمال السّالکین مولی محمّدزمان سوادکوهی آلاشتی (د. ۱۳۲۲ ه. ق.)، جلال الدّین ابوالفضل عنقاء طالقانی اویسی (د. ۱۳۳۳ ه. ق.)، شیخ الزّنیس ابوالحسن میرزای حیرت (د. ۱۳۳۶ ه. ق.)، آقا میرزا عبدالمجید زنجانی (د. ۱۳۲۴ ه. ق.)، میرزا ابوالفضل رشتی (د. حدود ۱۳۱۶ ه. ق.)، میرزا جعفر آشتیانی مشهور به میرزای کوچک (د. ۱۳۲۴ ه. ق.)، آقا سیّد علی صدرالعرفای صفای سمنانی (د. ۱۳۴۸ ه. ق.)، آقا سیّد محمّد بن محسن زنجانی (د. حدود ۱۳۵۸ ه. ق.)، آقا میرزا ابراهیم حکمی ابتهاج الحکماء، داماد آقا علی (د. ۱۳۵۱ ه. ق.)، میرزا محمّدحسین صفای اصفهانی (د. ۱۳۲۲ ه. ق.)، میرزا علی محمّد اصفهانی متخلّص به حکیم (د. ۱۳۴۳ ه. ق.)، میرزا ابوالفضل تهرانی (د. ۱۳۱۶ ه. ق.)، آقا میرزا ابراهیم زنجانی (د. ۱۳۵۱ ه. ق.) و محمّدمعصوم شیرازی مشهور به نایب الصّدر، صاحب طرائق الحقائق (د. ۱۳۴۴ ه. ق.) از شاگردان آقا علی مدرّس حکیم محسوب می شود.<sup>۱</sup>

۱. مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آقا علی مدرّس طهرانی، ج ۱، صص ۳۶ تا ۴۰؛ نیز: دانشمندان ایرانی از کهن ترین زمان تاریخی تا پایان دوره قاجار، ص ۶۱۷.

استاد آشتیانی در مقدمه یکی از آثار ملا عبداللّه مدرّس زنوزی متذکّر شده است که: «... یکی از دوستان رساله وجود رابطی آقا علی مدرّس زنوزی فرزند مؤلف را که یکی از شاگردان او در زمانی که به درس او می‌رفته، و از روی نسخه مؤلف استاد استنساخ نموده است، برای حقیر فرستادند... خط این رساله خیلی شبیه است به خط مرحوم آقا شیخ غلامعلی شیرازی از اعظم تلامذ آقا علی حکیم. چون حواشی آقا شیخ غلامعلی بر مقدمه فصوص قیصری، در کنار حواشی شرح فصوص که ملک آقا شیخ غلامعلی بوده است و فعلاً در اختیار این فقیر فانی است، بدون شك دلالت دارد بر اینکه رساله خطی وجود رابطی نوشته شیرازی است.»<sup>۱</sup>

افزون بر این دو تن، ابوالحسن جلوه، میرزا محمدحسن شیرازی<sup>۲</sup> و ملا عباس دارابی شیرازی<sup>۳</sup> را نیز از استادان حکیم برشمرده‌اند.

آقای حامد ناجی اصفهانی مؤلف مجموعه آثار حکیم صهبا، در باب شیخ غلامعلی حکیم می‌نویسد: «آقا شیخ غلام علی، در عرفان از شاگردان آقا محمدرضا قمشه‌ای، و در حکمت شاگرد آقا علی حکیم (مدرّس زنوزی) و از اعظم تلامذ اوست. وی پس از رحلت آقا محمدرضا به تدریس فصوص و اسفار اشتغال داشت. از او حواشی فاضلانه بر اسفار و شرح فصوص الحکم علامه قیصری در دست است. یکی از شاگردان او برخی از تقریرات استاد را در حاشیه اسفار نقل کرده است. شرحی بر فصوص در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که به شیخ غلامعلی تعلّق دارد و دارای تقریرات مفید در مواضع مشکل کتاب است. این حواشی را استاد سیّد جلال الدین آشتیانی همراه شرح فصوص الحکم قیصری چاپ و منتشر فرموده‌اند.»<sup>۴</sup> شیخ هنگام تدریس در مقام تقریر مشکلات، از شرح جامی و شرح عبدالرزاق کاشانی بر فصوص و دیگر محشّین مطالب نقل کرده است. از این حواشی و تقریرات تسلّط او بر عرفان و تصوف اسلامی آشکار است. آقا میرزا ابوالحسن قزوینی نقل می‌کرده‌اند که شیخ غلامعلی در جوانی به رحمت ایزدی پیوست.»<sup>۵</sup>

۱. انوار جلیه، ص ۳۷، متن و پاورقی.

۲. فرهنگ اعلام علوم عقلی اسلامی، ج ۳، ص ۳۸۹.

۳. منتخب معجم الحکماء، صص ۳۵، ۹۱، ۹۷، ۱۳۳.

۴. گویا این سخن اشتباه است. در چاپ مرحوم آشتیانی اثری از حواشی حکیم و دیگران نیست.

۵. مجموعه آثار حکیم صهبا، صص ۱۳۶ و ۱۳۷.